

اختلاف افق و شب قدر

«لیله القدر» کدام شب از سال است؟

با توجه به اختلاف تقویم در کشورها، آیا ممکن است چند شب قدر وجود داشته باشد؟

شکی نیست که «لیله القدر»، یکی از شب‌های ماه رمضان است؛ جمع میان آیات قرآن نیز اقتضای آن را دارد. از یک سو می‌فرماید: «قرآن در ماه رمضان نازل شده است»^۱ و از سوی دیگر می‌فرماید: «ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم»^۲. اما برای تعیین آن، باید به روایات مراجعه کرد. در روایات شیعه و اهل سنت، احتمالات گوناگونی داده شده است؛ از جمله: شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم.^۳ براساس روایت مشهور ائمه اطهار علیهم السلام، احتمال اینکه شب قدر، یکی از شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و یا بیست و سوم ماه رمضان باشد، بیشتر است.

سید بن طاووس، از بزرگان علمای شیعه، روایات متعددی درباره تعیین شب قدر در کتاب اقبال الاعمال جمع‌آوری کرده است که از مجموع آنها فهمیده می‌شود:

اندازه‌گیری و «تقدیر» امور و کارها، در شب نوزدهم و «تحکیم» آنها در شب بیست و یکم و «امضای» آنها در شب بیست و سوم است. به این دلیل شب زنده‌داری و عبادت و دعا در این سه شب بسیار توصیه شده؛ به ویژه بر دو شب بیست و یکم و بیست و سوم تأکید بیشتری گشته است.^۴ در روایتی از امام صادق علیه السلام درخواست می‌شود که شب قدر را معین کنند، ایشان می‌فرماید: «آن را در شب بیست و یکم و بیست و سوم بجوبید». وقتی راوی می‌خواهد امام آن را دقیقاً مشخص کند؛ می‌فرماید: «چه سخت است بر تو که دو شب را کوشش کنی!»^۵ در عین حال روایات متعددی دلالت دارد که شب

^۱ (۲). بقره (۲)، آیه ۱۸۵.

^۲ (۳). قدر (۹۷)، آیه ۳.

^۳ (۴). ابن عربی، احکام القرآن، ج ۴، صص ۳۲۵-۳۲۸؛ (دارالکتاب العربي، چاپ اول ۱۴۲۱ق، بیروت)؛ همچین ر. لک: حسن، حسنزاده آملی، انسان و قرآن، صص ۲۳۹-۲۴۳ (انتشارات قیام، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق).

^۴ (۱). سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، صص ۳۴۱-۳۴۵ و ۳۵۶-۳۷۴؛ (مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول ۱۴۱۴ق، قم).

^۵ (۲). همان، ص ۳۵۷.

بیست و سوم، شب قدر است.^۶ البته شب بر ائمه اطهار علیهم السلام کاملاً روشن است؛ زیرا فرشتگان در آن شب بر آنان فرود می‌آیند.^۷ اما اصرار بسیاری داشته‌اند که شیعیان چند شب را به عبادت و شب زنده‌داری مشغول باشند. با توجه به این مطالب، روشن می‌شود که شب قدر در هر سالی وجود دارد و آن یک شب است و اختلاف تقویم، موجب نمی‌شود چند شب قدر داشته باشیم. بر این اساس تأکید شده است دهه آخر ماه رمضان، یا حداقل سه شب یاد شده مراقبت شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان در مسجد معتکف می‌شد. و برخی از بزرگان شیعه، برای درک شب قدر یک سال شب‌ها را احیا می‌داشتند به هر حال شب قدر یک شب است و به احتمال بسیار زیاد، این یک شب، در دهه آخر ماه مبارک رمضان مقدر شده است و مؤمنان برای درک آن شب، تلاش می‌کنند و احیا می‌گیرند.

گفتنی است با نزول فرشتگان در شب قدر، برکات فراوان و متعددی حریان می‌یابد که مهم‌ترین آن تقدیر امور سالانه است. اما علاوه بر آن، نزول دسته جمعی فرشتگان، نورانیت و برکتی را به وجود می‌آورد که از فرصت‌های ممتاز، برای توبه و ارتقای درجات معنوی است؛ به طوری که انسان می‌تواند از فرصت یک شب، ارجمندی هزار ماه را به دست آورد. بنابراین اگر چه اعلام تقدیر امور سالانه به حجت خدا؛ در وقت معین از شب قدر انعام می‌گیرد؛ اما برای مردم سراسر جهان - با اختلاف افق‌هایی که دارند - شب قدر به نسبت هر منطقه ادامه دارد و همچنان برکات نزول فرشتگان شامل حال آنان می‌شود.

تقدیر امور آنان نیز بر اساس آن انعام می‌گیرد و با اعلام قبلی تقدیر امور به حجت خدا، در وقت معین منافات ندارد. از این رو حق برای کسانی که در منطقه خود فرصت شب را از دست داده‌اند؛ در روایات آمده است که روزهای شب قدر نیز فضیلت شب آن را دارد و اگر کسی در پی درک فضایل آن باشد، به آنها می‌رسد. همچنین در روایات آمده است: اگر کسی در این شبها موفق نشد، منتظر شب و روز عرفه باشد که می‌تواند در آن، سرنوشت خویش را رقم زند. بنابراین تعیین این اوقات برای رقم زدن تقدیرات انسان، نه

^۶ (۳). همان، ص ۳۷۴ و ۳۷۵.

^۷ (۴). بصائر الدرجات، به نقل از امام صادق علیه السلام؛ ر. لک: انسان و قرآن، ص ۲۴۱.

برای خداوند محدودیت می‌آورد و نه برای انسان؛ لکن این اوقات ویژگی‌هایی در تسریع حرکت انسان به سوی کمال حقیقی دارد.

بنا بر آنچه گفته شد، شب قدر زمانی دو قسم است: زمانی واقعی و زمانی اعتباری. لیلۀ القدر زمانی واقعی و اعتباری را می‌توان به اول بهار واقعی و اعتباری تشبيه کرد. اول بهار واقعی، لحظه‌ای است که مرکز زمین در حرکت انتقالی خود به دور خورشید، منطبق شود و نقطه اعتدال ریبعی این لحظه، اول بهار واقعی است.

حال اگر این انطباق قبل از ظهر صورت بگیرد (تحویل سال قبل از ظهر باشد)، تمام آن روز را اول بهار و اولین روز سال نو اعلام می‌کنند. اما اگر هنگام سال تحویل، بعد از ظهر باشد؛ آن روز را به سال قبل ملحق می‌کنند و می‌گویند: سال کبیسه دارد. ماه اسفند در چین سالی، سی روزی است و در عین حال که اول بهار واقعی روز سی ام اسفندماه آن سال است، روز بعد را به عنوان اول بهار و نخستین روز سال جدید اعلام می‌کنند. در این مثال روشن است که ما یک اول بهار واقعی داریم که یک لحظه است و یک اول بهار اعتباری داریم که یک روز است و با توجه به اعتبار و قرارداد، قابل توسعه و تغییر است.

لیلۀ القدر زمانی نیز همین گونه است؛ یعنی، ما یک شب قدر زمانی واقعی داریم و یک شب قدر زمانی اعتباری. شب قدر زمانی واقعی، لحظه‌ای از شب خاصی است که در آن لحظه، انسان کامل فیوضاتی را از عالم بالا دریافت می‌کند و این لحظه، امری شخصی و غیرقابل توسعه و تعدد است. و شب قدر زمانی اعتباری، مقطعی از زمان است که ممکن است ۲۴ ساعت یا کمتر و یا بیشتر امتداد داشته باشد و با توجه به اختلاف آفاق متعدد شود. برای مثال در سرزمینی خاص، از سر شی معین تا طلوع فجر برای اهل آن سرزمین، شب قدر باشد؛ ولی در سرزمینی دیگر بعد از دوازده ساعت، شب قدر اهل آن سرزمین شروع شود و ...

پس فیوضات و برکات شب قدر زمانی اعتباری، قابل توسعه بوده و امتداد زمانی ۲۴ ساعته شب و روز قدر، دارای فضیلت مشترک است.

شب قدر و ولایت

رابطه شب قدر و ولایت چیست؟

زیرا می‌گویند شب قدر ارتباط تنگاتنگی با امام زمان (عج) دارد؟ در جای خواندم که امام صادق علیه السلام فرمود: حقیقت شب قدر، حضرت زهرا علیها السلام است؛ آیا این سخن درست است و اگر درست است، معناش چیست؟^۸

یکی از مسائل پر رمز و راز در مجموعه علوم و معارف الهی، مسئله «شب قدر» است. نخست گفتنی است، شب قدر، ظرف نزول قرآن است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». اما این چه نوع ظرف است؟ بین عموم مردم مشهور است که «شب قدر» ظرف زمان است. طبق این بیان، شب قدر، به معنای پاره‌ای از زمان (شب) است که در آن، قرآن از عالم بالا به دنیا نازل گشته است و به دلیل اهمیت این نزول و مسائل جنی و یا عوامل زمینه‌ساز آن- که از درک ما انسان‌ها فراتر است - خداوند می‌فرماید:

«وَ مَا أَكْرَدَكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»^۹؛ «چه چیزی تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟» و «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ شَهْرٍ»^{۱۰}؛ «شب قدر، از هزار ماه بکتر است». عبادتی که در این شب انعام می‌شود، بکتر از هر عبادتی است که انسان آنها را در طول هزار ماه انجام می‌دهد و نیز: «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَادُنَّ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»^{۱۱}؛ «در این شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان فرود می‌آیند و با خود مقدرات همه امور را فرود می‌آورند» و «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^{۱۲}؛ «این شب [یکسره] تا طلوع فجر سلام و سلامتی است».

اما اگر «ظرفیت» مطرح در آیه را منحصر در ظرف زمان نکنیم و بگوییم ظرف زمان، پایین‌ترین مرحله از مراحل ظرفیت است؛ آن گاه به این می‌رسیم که شب قدر، حقیقتی است که قرآن در آن نازل شده و با توجه به لیاقت و قابلیتش، حقیقت قرآن را از عالم بالا دریافت کرده و آن را در وجود خود، جای داده است و بدین ترتیب وجودش، ظرف قرآن شده است. البته مراد از ظرف و محل و امثال این تعبیر، مکان مادی نیست و نمی‌تواند

^۸ (۱). جهت تجیه پاسخ این پرسش از نوشته حناب حجۃ‌الاسلام و المسلمین حسین رمضان استفاده شده است.

^۹ (۲). قدر (۹۷)، آیه ۱.

^{۱۰} (۱). همان، آیه ۲.

^{۱۱} (۲). همان، آیه ۳.

^{۱۲} (۳). همان، آیه ۴.

^{۱۳} (۴). همان، آیه ۵.

باشد؛ زیرا حقیقت قرآن از سنخ امور مادی نیست تا ظرف و مکانی شبیه به ظروف و مکان‌های مادی داشته باشد؛ بلکه محل نزول قرآن و ظرف آن، باید از سنخ «معنی» و امور معنوی باشد تا بتوان، ظرفیت آن را نسبت به یک حقیقت معنوی پذیرفت و از آن توجیه معقولی ارائه کرد. در اینجا سه نکته باید روشن شود:

یک. بدانیم که ظرف و مظروف مادی، هیچ گاه با هم متحد نمی‌شوند. برای مثال آب که مظروف و کوزه ظرف است، تا ابد اگر این نسبت را حفظ کنند، نه کوزه آب می‌شود و نه آب کوزه و همین‌طور است در دیگر موارد از انواع ظرف‌ها و مظروف‌های مادی. اما در امور معنوی این گونه نیست؛ ظرف معنوی حقیقتی است که پذیرای امور معنوی و دریافت کننده حقایق ملکوتی است. این حقیقت، با آنچه می‌پذیرد و قبول می‌کند، وحدت یافته و یکی می‌شود. بنابراین حقیقتی که محل نزول قرآن است و حقایق آن را قبول کرده و ظرف قرآن شده است، با آن یکی می‌شود و قرآن ناطق می‌گردد.

دوم. بدانیم حقیقتی که بر اثر قبول قرآن، عین آن می‌شود، کسی جز انسان کامل – که مظهر جمیع اسمای حسنای حق و آینه تمام نمای خداوند است – نیست.

در رأس همه افرادی که مصدق عنوان یاد شده هستند، وجود نازنین حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و پس از ایشان شایسته‌ترین و نزدیک‌ترین افراد به مقام ایشان، امام علی علیه السلام است و همین طور پس از ایشان فرزندشان حسن بن علی علیه السلام تا بررسیم به زمان ما. ليلة القدری که در این زمان، ظرف قرآن است و حقایق آن در او جاری می‌شود، حضرت حجه بن الحسن المهدی (عج) است. ما از این بزرگان و امامان بر حق، به قرآن ناطق تعبیر می‌کنیم؛ همان طور که مالک اشتر وقی که دید مردم نادان، فریب عمرو عاص و معاویه را خورد و به کاغذ پاره‌های سر نیزه چشم دوخته‌اند؛ فرمود: شما قرآن ناطق (علی) را رها کرده و به این کاغذها چشم دوخته و دل خوش کرده‌اید! مراعات این کاغذها را می‌کنید؛ ولی اصل قرآن و حقیقت آن را – که در علی علیه السلام تحسّم یافته – رها کرده و حرمت نمی‌نماید!

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «امام علی علیه السلام در حضور امام حسن و امام حسین علیها السلام، سوره قدر را تلاوت کرد. حضرت حسین علیه السلام خطاب به پدر گفت:

ای پدر! این سوره را با حلاوت مخصوصی تلاوت می‌فرمایید. حضرت فرمود: فرزندم!
زمانی که سوره قدر نازل شد، جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی را بی‌من
فرستاد؛ سپس این سوره را برای من تلاوت کرد و با دست بر کتف راست من زد و
فرمود: ای برادر و وصی من! ای کسی که پس از من ولی این امتی! این سوره پس از من،
از آن تو و پس از تو، از آن دو فرزندانت حسن و حسین است. از برای آن نوری است که
در قلب تو و اوصیای تو تا مطلع فجر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ساطع است».^{۱۴}

براساس روایتی خداوند به رسولش صلی الله علیه و آله فرمود: «سوره قدر را تلاوت کن که
این سوره نسبت (شناسنامه) تو و نسبت اهل بیت تو تا روز قیامت است».^{۱۵} اگر کسی
بگوید: چرا امام صادق علیه السلام شب قدر را بر جدهاش فاطمه علیها السلام اطلاق
کرده؛ در حالی که طبق بیان مزبور شب قدر بودن، به ایشان اختصاص ندارد؛ بلکه هر
انسان کاملی می‌تواند مصدق آن باشد؟

در جواب گوییم: اولًا از دیدگاه منطقی، اثبات چیزی نفی غیر آن را نمی‌کند؛ یعنی، اگر
بگوییم «شب قدر، فاطمه است»، منافاتی با ليلةالقدر بودن دیگر مصاديق ندارد. ثانیاً در
میان افرادی که مصدق شب قدرند، برای فاطمه علیها السلام امتیازی است که برای هیچ
کس آن ویژگی وجود ندارد و آن عبارت از این است که آن حضرت، علاوه بر آنکه خود
مصدق ليلةالقدر است، پدر، همسر و یازده فرزندش همه مصاديق شب قدرند. از این رو
حضرت فاطمه علیها السلام همانند شمع جمعی است که دیگران، دور او را گرفته‌اند و جا
دارد که از ایشان به صورت برجسته و عنوان «شب قدر» یاد شود.

سوم. بدانیم چرا از انسان کامل به شب قدر تعبیر شده است؟ لفظ «ليلة» به معنای شب
است و خصوصیت شب خفا و ناپیدایی آن است. شب فانی و منفعل محض است و از خود
چیزی ندارد. قدر هم به معنای عظمت، قدرت و فضیلت است و انسان کامل از آن رو که
فانی در خداوند است، فانی در حقیقت است که عین عظمت و قدرت و فضیلت است. از
آن جهت که خود است، هیچ است و از آن جهت که نمود آن حقیقت است، همه چیز
است؛ پس از او به شب قدر تعبیر شده است. انسان کامل آینه تمام نمای جمال خداوند،

^{۱۴} (۱). تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۷.

^{۱۵} (۲). علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۶.

خليفة و وجه الله است. مظهر «بِكُلِّ شَيْءٍ عَلَيْهِ»^{۱۶} و «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۱۷} است. مصدق «وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^{۱۸} است.

انسان كامل حقيقتي است که بیعت با او بیعت با خدا است: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ»^{۱۹}.

همچنین دوستی یا دشمنی با او، دوستی یا دشمنی با خداوند است: «وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ»^{۲۰}. از این حقیقت بزرگ، به شب قدر یاد می‌شود: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: انا انزلنا في ليلة القدر؛ «الليلة»، فاطمة و «القدر»، الله فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر»^{۲۱}; «امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ليلة، فاطمه و قدر، الله است. هر کس به درستی فاطمه را شناخت، شب قدر را درک کرده است».

البته شب قدر را خدای او و خود «ليلةالقدر» می‌شandasد و بس؛ اما دیگران به مقدار استعداد و لیاقت‌شان می‌توانند با برخی از اوصاف و خصوصیات شب قدر- آن هم با هدایت و ارشاد خود او- آشنا شوند. در برخی از روایات آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی خدا را نشناخت، جز من و تو و کسی مرا نشناخت، جز خدا و تو و تو را نیز کسی نشناخت، جز خدا و من».

بنابراین شناخت شب قدر- که همان انسان کامل است- با شناخت خداوند رابطه تنگاتنگی دارد و همان طور که نمی‌توان به حقیقت خداوند و کنه ذات او پی برد، نمی‌توان به حقیقت شب قدر و کنه ذات او دست یافت.

پس سخن کوتاه باید و السلام

در نیابد حال پخته هیچ خام

^{۱۶} (۳). بقره (۲)، آیه ۲۹.

^{۱۷} (۱). همان، آیه ۲۰.

^{۱۸} (۲). افال (۸)، آیه ۱۷.

^{۱۹} (۳). فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

^{۲۰} (۴). مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

^{۲۱} (۵). بخار الانوار، ج ۴۳، (مؤسسة الوفاء، ناشر الوفاء بيروت، الطبعة الثانية).

می‌توان شب قدر را به دو نوع حقيقی و زمانی تقسیم کرد و گفت: ليلة القدر حقيقی، وجود طبیه انسان کامل است که دعا و ظرف قرآن؛ بلکه قرآن ناطق است.

از این رو در هر زمان برای آن، بیش از یک مصدقاق قابل تصور نیست. به عبارت دیگر امام زمان هر عصری، مصدقاق شب قدر آن دوران است و نظیر ندارد و دومی برایش متصور نیست. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الامام واحد دهره و لا يدانیه احد و لا يعادله عالم و لا يوجد منه بدلاً و لا له مثل و لا نظیر»^{۲۲}؛ «امام یگانه دهر خویش است و کسی نمی‌تواند تا با او انباز گردد. امام کسی است که هیچ دانشمندی به پایه او نمی‌رسد و احدی نمی‌تواند جایگزین وی شود. امام کسی است که مثل و نظیری برایش متصور نیست». این همان شب قدر حقيقی است.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که ليلة القدر سه گونه است:

۱. شب قدر حقيقی که تعدد بردار نیست و در هر عصر و زمانی فقط یک مصدقاق دارد.
۲. شب قدر زمانی واقعی که آن هم در هر سال یک زمان خاص است و قابل تعدد و توسعه نیست.
۳. شب قدر زمانی اعتباری که با توجه به اختلاف آفاق، قابل توسعه و حتی تعدد است.

باید دانست که درک شب قدر در هر مرتبه‌ای، تلاش مناسب با خود را می‌طلبد.

اگر ليلة القدر را همان امام زمان و حجت خدا معنا کنیم، درک آن در کنار پیروی از خدا و پیامبرش میسرور است. انسان مؤمن با جهاد و تلاش، می‌تواند در افق شب قدر حقيقی قرار گیرد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق سلمان فارسی فرمود: «السلمان مانا

^{۲۲} (۱). اصول کاف، کتاب حجت، ج ۱، ص ۲۰۱.

اَهْلُ الْبَيْتِ»^{۲۳}. قرآن کریم هم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُّانَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^{۲۴}؛ «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نمایانیم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است».

اگر شب قدر را زمانی واقعی معنا کنیم- که تعدد بردار و قابل توسعه نباشد- در این صورت درک آن، در کنار پاسداری از شب‌های رمضان می‌سور است؛ به طوری که با احیای شب‌های متعدد، اطمینان به درک شب قدر حاصل آید و اگر در کنار آن معانی، شب قدر زمانی اعتباری را هم قابل قبول دانستیم. در آن صورت، ما به وظیفه خود در پاسداری از شب قدر احتمالی عمل می‌کنیم، و با امید به رحمت گسترده خداوند متعال؛ انتظار می‌رود که پروردگار مهربان از سر لطف و محبت تمامی آن برکات شب قدر حقیقی و واقعی را- که برای احیاگرانش که با نیت درک آن سر بندگی فروود آورده‌اند- نازل می‌فرماید؛ نصیب ما نیز بگرداند.

^{۲۳} (۲). بخار، ج ۱۰۸، ص ۲۸۵.

^{۲۴} (۳). عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.